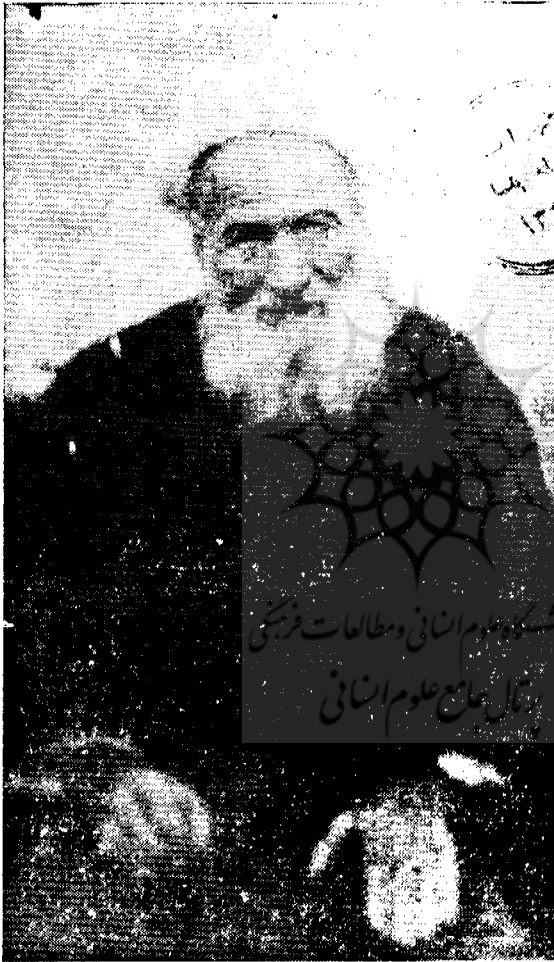


احمد احمدی

شیخ هادی هادوی بیرجندی

مرحوم حاج شیخ محمد هادی هادوی متخلص به « هادی » فرزند حاج



ملا محمد حسین که در نیمه
رجب ۱۲۷۷ هجری در شهر
بیرجند دیده بجهان گشوده از
علماء معروف و شعراء والا
مقامی است که عمری طولانی
در راه کسب فضائل و ترویج
علم و دانش گذرانده و نام نیک
اندوخته و آثاری گرانبها از
خود بجا گذاشته است .

بر حسب آنچه در مقدمه
دیوان خود مرقوم داشته
اجداد آن بزرگوار اصفهانی
بوده اند که در هنگام فتنه
اشرف و محمود افغان بر اثر
ظهور اغتشاش و آشوب از
اصفهان به بیرجند کوچیده و
درین شهر کوچک مستقر
شده اند. چنانکه «صباحی»

بیرجندی که ازین خاندان میباشد و شاعری بدله گو و سخن سنج بوده و در زمان
سلطنت محمد شاه قاجار میزیسته درین باره سروده است :

بر سبیل خویشتن آنروز خندیدیم ما کز صفهان بار کرده بیرجندیدیم ما

حاج ملا حسین پدر مرحوم حاج آقا شیخ هادی از شاگردان نامی علامه شوشتری شیخ مرتضی انصاری معروف و صاحب تألیفات فقهی و اصولی بوده و از مشاهیر علماء و زهاد بیرجند بشمار میرفته است. مرحوم حاج شیخ هادی تحصیلات مقدماتی خود را در مدرسه معصومیه بیرجند از صرف و نحو و منطق تا سطح معالم ادامه داده است. در سال ۱۲۹۳ هجری خانواده آن مرحوم بر اثر پیش آمدی ناگوار از بیرجند بمشهد انتقال می یابند و آن مرحوم ناچار تحصیلات خود را در مشهد تعقیب میکند. سطح قوانین را در نزد مرحوم پدر دانشمندش تعلیم گرفته و فقه را در مشهد نزد آقا سید محمد باقر گلپایگانی و حکمت و کلام را در محضر آخوند ملا محمد رضای بروغنی سبزواری که از تلامذه مرحوم حاج ملا هادی حکیم معروف سبزواری بوده است آموخته و از محضر حاج میرزا حبیب و شیخ محمد حسن کرمانی نیز فیض یاب بوده است. درین اوان علاوه بر اینکه در علوم شرعیه بحد کمال نزدیک میشد بر اثر معاشرت باین دو عالم ربانی جلیل القدر قریحه شعری آن مرحوم نیز در نزد این اساتید روشنی و کمال می یافت. در سال ۱۲۹۹ برای استفاده از محاضر سایر اساتید بصوب نجف اشرف عزیمت و دو سال و اندی در سامره توقف فرموده و از محضر میرزای شیرازی فقیه معروف کامیاب شده است. در آنجا مرحوم میرزا براتب استعداد و قریحه شعری ایشان واقف و غالباً قصاد وی مورد توجه خاص میرزا واقع میشود. پس از مدتی بنجف اشرف عزیمت نموده در آنجا نیز چند سال از محضر آیه الله رشتی و آیه الله خراسانی بهره یاب میشود. در سال ۱۳۰۵ هجری در کربلای معلی تأهل اختیار میکند. در سال ۱۳۰۷ هجری پدر و مادر آن مرحوم بفاصله یک هفته بر حمت حق می پیوندند. در ۱۳۰۸ بمکه و مدینه مشرف میشود و دیگر بار بسامره و نجف برای ادامه تحصیل باز میگردد. پس از چند سال توقف در عراق مرحوم امیر اسمعیل خان شوکت الملک حکمران قاننات بعنوان تصدی امور شرعیه ایشانرا دعوت میکنند.

مرحوم شیخ پس از کسب اجازه روایتی از محدث عصر حاج میرزا حسین نوری و اجازه اجتهاد از حضرت آیه الله خراسانی در سال ۱۳۱۹ هجری با احترام و استقبال شایان به بیرجند وارد میشوند. در سال ۱۳۲۲ امیر اسمعیل خان شوکت الملک رحلت

کرد و نوبت حکمرانی بشوکت‌الملک ثانی امیر معارف پرور و وطن دوست امیر محمد -
 ابراهیم خان علم رحمة الله علیه رسید و حکمرانی این امیر مصادف با اوایل مشروطیت



مرحوم امیر محمد ابراهیم خان علم (شوکت‌الملک)

ایران بود. درین هنگام مرحوم حاج آقا شیخ‌های مقاله‌نوی در خصوص مجلس شورای ملی
 در نامه حیل‌المتین درج می‌کرد و حضرت آیه الله خراسانی که با فکر ایشان معرفت
 کامل داشت وی را بعنوان عالِم طراز اول بمجلس شورای ملی معرفی و قرعه بنام

ایشان اصابت کرد. ممتازالدوله که آنوقت رئیس مجلس شورایملى بود عزیمت معظم له را خواستار میشود، اما حاج شیخ از پذیرفتن این سمت عذر میخواهد و نمایندگی را بمرحوم حاج شیخ اسمعیل دهکی (عم راقم این سطور) مفوض میدارد. در عوض ریاست انجمن ولایتی را میپذیرد تا از این راه بتواند خدمتی بنفع عامه مردم بکند. در سال ۱۳۲۶ هجری که حکمران معارف پرور و وطن پرست قائنات مرحوم شوکت‌الملک مدرسه‌ای بعنوان «مدرسه شوکتیه» بسبک جدید تأسیس میکنند (۱) مرحوم حاج شیخ هادی برای اسکت مخالفین از تأسیس مدرسه بسیار ترویج و تحسین میکند و حتی فرزندان ایشان را باین مدرسه میفرستد و طبقات مردم را بترویج این قبیل مدارس تشویق میفرماید.

مرحوم حاج شیخ هادی هادوی در یازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۲۶ شمسی پس از یکمهر نیکنامی و خدمت خلق و تعلیم و تعلم علوم ادبیه و شرعیه دارفانی را بدرود گفت و بجهان باقی شتافت. محضر آن مرحوم فوق العاده جذاب و گیرا بود و طالبین علم و کمال خوشه‌چین خرمن فضالش بودند. درین مقال مجال این نیست که از کلیه تألیفاتش تحلیلی دقیق بشود و نکات عمیق محاسن اخلاقی و کمالات معنویش مورد بحث واقع شود. اینقدر مسلم است که آنانکه محضر فیض بخشش را درک کرده‌اند معترفند که آنچه انسان درباره این مرد بزرگوار می‌شنیده نسبت بآنچه بالعیان در محضرش درک میکرده بسیار اندک و ناچیز بوده است.

کانت مسائله الرکبان یخبرنا
عن احمد بن سعید اطیب الخیر
حتى التقینا فلا والله ما سمعت
أذنی باحسن ممّا قدرأی بصری

آثار آن مرحوم (که برخی بحلیه طبع آراسته شده است و بعضی نیز هنوز بچاپ نرسیده و حتی موبوب نشده) بدینقرارند:

- ۱ - بستان الناظر (حاوی مطالب متنوع بسبک کشکول شیخ بهائی).
- ۲ - مائده محمدیه (مشمول بر اشعاری که بعضی از آنها بچاپ رسیده است).

۱ - تفصیل افتتاح مدرسه و خدمات مرحوم شوکت‌الملک رحمه الله نیازمند مقاله جداگانه ایست که در این مختصر مجال بیان آن نیست.

۳ - دیوان اشعار که در تهران بطبع رسیده است مشتمل بر سه هزار بیت از غزل و قصیده و قطعه و رباعی .

۴ - آئین سخنوری که باهتمام مرحوم محمدحسن شریف درخشی چاپ شده است .

۵ - ترجمه ادب الکبیر ابن مقفع و نامه حضرت امیر بمالك اشتر (متخذ از نهج البلاغه) که هر دو باهتمام وزارت فرهنگ بچاپ رسیده و منتشر شده است .

۶ - تألیفات فقهی و اصولی آن مرحوم که هنوز مبوب نشده است .

اینک نمونه‌ای از اشعار آن مرحوم (۱) :

بر سرم میشنوم پیر غرابی بوده است	در رخم آبی و در مویم تابی بوده است
آنهمه حشمت دارا و سکندر شب دوش	پیر بیدار دلی گفت که خوابی بوده است
راحت از دهر سنجی مطلب کاین شب و روز	بهر تبدیل ذهابی بایابی بوده است
جهد کن کانچه ز گفتار و ز کردار آری	چون به بینند بگویند صوابی بوده است
هادیا از چه هراسی که تو را روز جزا	شافع نافع فرخنده جنابی بوده است



ای پسر ترك کار نتوان کرد	ناز بر روزگار نتوان کرد
چاره کار روزگار دژم	جز به نیروی کار نتوان کرد
افتخار بشر بکار نبود	جز بکار افتخار نتوان کرد
گر بگوئی چکار بتوانم	عقل گوید شمار نتوان کرد
جهل گوید چه کار بتوان کرد	عقل گوید چه کار نتوان کرد
روزگارت اگر همی گوید	تکیه بر هیچ کار نتوان کرد
تو بگو تکیه می توان بر کار	تکیه بر روزگار نتوان کرد
کار را کردگار فرموده است	پشت با کردگار نتوان کرد
حاصل عمر آدمی کار است	حاصل عمر خوار نتوان کرد

(۱) نویسنده محترم مقاله اشعاری بیش از این انتخاب کرده که متأسفانه صفحات مجله گنجایش آن مهرا ندارد. گذشته از این دیوان مرحوم حاج شیخ بچاپ رسیده و بر اهل ادب لازم است آن را بدست آورند. (مجله یغما)